

رخڑوام پوند

یا

آداب هنرداری

آنیا سحابی بزرگ

## فهرست

صفحه	عنوان
۵	سخن ناشر
۷	ازدواج پیوند آسمانی
۹	همراهی و همدلی
۱۱	موازین الهی، پایه همدلی
۱۴	خودخواهی، آفت همدلی
۱۷	رابطه با خدا، مشکل‌گشای دشواری‌های خانوادگی
۱۸	پیوند خانوادگی، پوشش از گناه
۱۹	رابطه انگیزه انتخاب همسر با دوام پیوند خانوادگی
۲۱	نرمی انتقاد و خشونت ایراد
۲۲	شدت با کفار و رحمت با مؤمنین
۲۵	جای پای شیطان
۲۸	انس و اعتماد، برکت ازدواج
۲۸	انصاف، اساس اعتماد
۲۹	تکیه بر خوبی‌ها



انتشارات شفق

نام کتاب: رمز دوام پیوند، آداب همسرداری  
 مؤلف: آیة‌الله حائری شیرازی  
 ناشر: انتشارات شفق  
 نوبت چاپ: اول/۱۳۷۱  
 تیراز: ۱۰۰۰  
 چاپ: قدس  
 حروفچینی: قم-فراشیر ۲۲۹۴۶

## بسم الله الرحمن الرحيم

### سخن ناشر

این مجموعه، حاوی گفتاری است نظر ودلنشیں، در تبیین  
وجوه آسیب ناپذیری ازدواج، و طرح نکات و دفائقی که دوام  
پیوند های خانوادگی را در بی دارد.

کهنه کاه که بعضی از زوج های جوان را سعادت یار می شد تا  
مراسم عقد و ازدواج شان در محضر حضرت آیة الله حائری  
شیرازی (مدظله) برگزار شود، معظم له خطاب به آنها،  
توصیه هایی می فرمودند که می توانست در بعد های مختلف  
زندگی، چراغ راهی برای رسیدن به خوشبختی و سعادتی  
ملمous باشد.

بدینه است که گروه بسیاری از علاقمندان را امکان آن  
نیست تا از فیض حضور استاد و نصایح پدرانه شان بهره مند  
شوند، لذا با کسب اجازه از حضرتشان مطالب ضبط و سهی از

بسم الله الرحمن الرحيم

### ازدواج پیوند آسمانی دو انسان

ازدواج، پیوند و ارتباط دو انسان است با یکدیگر، به قصد داشتن یک زندگی مشترک. هنگامی که دو انسان بخواهند باهم در زندگی مشترک باشند، طبیعتاً پای هر کدام در زندگی دیگری وارد خواهد شد. مرد، زنی پا در زندگیش می‌گذارد و زن هم مردی. تنها زندگی کردن یک برنامه دارد و یک وظيفة خاص بخود دارد و زندگی مشترک داشتن هم دارای یک برنامه و یک سلسله وظائف مخصوص بخود است.

انسان وقتی تنها باشد گاهی به رأی خود و با سلیقه خود هر کاری خواست انجام می‌دهد، اما وقتی زندگی مشترک شد، وضعیت فرق می‌کند. فرض کنید یک ماشین، در جاده‌ای نک و تنها حرکت می‌کند. این ماشین خبلی کارها را می‌تواند انجام دهد، می‌تواند مانور بدهد، می‌تواند ویراث بدهد، و می‌تواند آهسته

نوار پیاده شد و پس از بازنویسی به صورت این مجموعه نفیس درآمد. باشد که درخشش این چراغ پر فروغ و سعی پیشتری را در برگیرد و افراد پیشتری از برکات این سخنان حکیمانه بهره‌ور شوند.

### تذکر لازم

از آنچه که فرمایشات حضرت استاد شیرینی و حلوات خاصی دارد و بدان حدّ دلنشین و سلیس و خودمانی است که شنونده را درین می‌آید تاکلمات و عبارات، را تغییر دهد، در بازنویسی مطالب نیز سعی شده است - جز در موارد ضرورت - اصالت آن حفظ شود و «شیرینی سفتار» فدای «شیوه تکارش» تکردد. امید است که تیات خالصانه گوینده حکیم ما، راهنمای استواری پیوندهای خانوادگی و راهکشای دشواریهای زندگی باشد.

«انتشارات شفق»

دو دست - هر کدام به اختیار خود -، وارد کار شوند، کاری از پیش نمی‌رود.

شما، هم دست راست دارید و هم دست چپ، اگر این دو به صورت مستقل تصمیم می‌گرفتند، شما دیگر با این دو دست نمی‌توانستید کاری را انجام بدهید. اما چون این دو دست خود تصمیم‌گیرنده نیستند، بلکه مغز واردۀ انسان است که بر دست راست و چپ حکومت می‌کند و او است که تصمیم می‌گیرد، لذا دستها باهم همکاری می‌کنند و هماهنگند. با یک دست کاغذ می‌گیرید و با یک دست می‌نویسید. خیاطها با یک دست پارچه را می‌گیرند، با دست دیگر می‌دوزند. آشپزها با یک دست، دیگر را می‌گیرند، با دست دیگر غذا را بهم می‌زنند. و چون فرمانده یکی است این دو دست این چنین باهم همکاری می‌کنند. اگر خدای ناکرده در وجود ما دو فرمانده وجود داشت معلوم است که چه اتفاقی می‌افتد.

اگر پدری نسبت به بچه خود تندی کند، مثلاً بگویید: چرا این کار را کردی؟

مادر بگویید: اتفاقاً کار بچه درست بوده، و خوب کاری هم کرده است.

یا یکی به بچه بگویید: تو خیلی بی ادب هستی.  
دیگری به او بگویید: اتفاقاً تو از همه مؤدب تری.

یکی بچه را بزند و دیگری او را نوازش کند. چنین برخوردهایی موجب می‌شود که بچه بی تربیت بار بیاید. وقتی این گونه عمل شود، بچه شکایت پدر را به مادر و شکایت مادر را به پدر می‌برد و ضمن اینکه بین آنها دعوا راه می‌اندازد، خود بچه نیز نسبت به پدر و مادر بی اعتقاد و بی اعتماد می‌شود.

### موازین الهی، پایه همدلی

در یک ازدواج، زن و مرد، می‌بایست همچون دو دست چپ و راست باشند. از خود، رأی نداشته باشند، بلکه تابع مافق خود باشند، همان‌طور که اراده انسان، مافق دو دست راست و چپ او است، اراده خدا و حکم خدا و فرمان او، باید برتر از حرف زن و حرف شوهر باشد.

گَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْأَقْلَمِيَاء، کلمة خدا باید بالاتر باشد. اگر مرد یک حرفی بزند، و شما به او بگویید که خدا این طور گفته است، باید بگویید: اگر خدا این طور گفته باشد من دیگر حرفی ندارم، روی حرف خدا حرفی نمی‌زنم و حرف خدا بالای حرف من است.

اگر زن هم یک حرفی بزند و به او بگویند: خدا این چنین نگفته است، خدا جور دیگری می‌گوید. زن باید بگویید: اگر خدا طور دیگری می‌گوید، من هم همان را می‌گویم.

آنجا که خدا در کار باشد، زن و مرد مانند دو دست چپ و راست عمل می‌کنند، اما آنجا که خدا در کار نباشد، زن و مرد، همانند دو فرد جدا از یکدیگر می‌شوند.

اگر شوهر یکی باشد وزن هم برای خودش یکی دیگر باشد، اینها دونفر می‌شوند و کار درست نمی‌شود. در زندگی، زن و مرد باید باهم آنچنان باشند که گویی مرد، یک دست وزن دست دیگر است و حکم خدا و فرمان پروردگار فرمانده‌شان به شمار می‌آید. پس انسان باید بداند که اولی ازدواج باید آخر خود رأیی باشد، هم برای مرد و هم برای زن. اگر زن با مرد بخواهد بعد از ازدواج هم، مانند پیش از ازدواج خود رأی باشند و با رأی خود حرکت کنند، آن وقت این ازدواج جز در دسر چیزی به دنبال نخواهد داشت.

به عبارتی، هنگامی که واقعاً خدا برایشان مطرح باشد آن وقت فصل ازدواج است.

دونفر که باهم معامله می‌کنند، هر کدام نسبت به معامله‌ای که کرده است دیگری را به نحوی راهنمائی می‌کند، فرض کنید شما یک رادیو به کسی داده‌اید واز او ضبط صوتی را گرفته‌اید، آن‌که ضبط صوت به شما داده، دستور کار با آن را به شما می‌آموزد و شما هم پیرامون کار با رادیو به او تذکراتی می‌دهید.

خدا خالق زن و مرد است. به مرد می‌گوید، اگر می‌خواهی

خیر زن را ببینی این‌گونه با او بخورد کن، و به زن هم می‌گوید: اگر می‌خواهی از مرد خیر ببینی اینچنین با او بخورد کن.  
مثلًا می‌گوید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» دسته جمعی به رسماً خدا چنگ بزنید و پراکنده نشود. یعنی اگر میل آن دارید که میان شما اختلاف نیفتند تها خدا را در نظر داشته باشید. اگر خدا را در نظر گرفتید بین شما جدایی نمی‌افتد، اما اگر خود را مطرح کردید از هم جدا می‌شوید.  
به موجب این آیه، زن و شوهر اگر می‌خواهند متفرق نشوند و بینشان جدائی نیافتد، زن نباید بگوید من اینطوری می‌خواهم و من این جوری می‌دانم. بلکه باید بگوید: مكتب من این طور می‌گوید و این جور می‌خواهد. متقابلاً مرد هم نباید بگوید که من این طور می‌خواهم، برادر، خواهر، مادر و فامیل من این‌گونه می‌گویند. بلکه او هم باید بگوید که خدای من این طور می‌گوید. یعنی آیه به زن و مرد می‌گوید که دم از خدا بزنید، تا از هم جدا نشود.

### خودخواهی، آفت همدلی

اگر از خودتان دم بزنید، جدا می‌شوید. اگر از پدران، از مادران، فامیل و یادوستانتان دم بزنید، جدا می‌شوید. اما اگر از خدا دم بزنید به هم نزدیک می‌شوید. چرا؟ چون شما دونفر، دو پدر دارید، اما دو خدا که ندارید، بلکه یک خدا دارید، دوستان متعدد

دارید، اما خدای متعدد ندارید. همه چیز انسان‌ها متعدد است، اما خدایشان یگانه است. پس به او برگردید تا یگانه شوید.

شوروی<sup>۱</sup> و آمریکا که خدا را راه‌کرده‌اند، کی و کجا باهم رفیق خواهند شد. این‌ها تمام اسلحه‌های ائمّه را که زیر زمین و روی زمین پنهان کرده‌اند، برای چه کاری گذاشته‌اند؟ این دو (شوری و آمریکا) جلوه دو انسان از خدا برگشته هستند. اینها از دانشمندان‌شان دم زدند ولی از خدا دم نزدند. آمریکائی‌ها می‌گویند: دانشمندان ما این‌گونه می‌فهمند، پس ماهم به دنبال دانشمندان‌مان راه می‌رویم. شوروی‌ها هم می‌گویند، دانشمندان ما این‌جوری می‌فهمند، ماهم به دنبال آنها حرکت می‌کنیم.

چون دانشمندان‌شان جدا هستند، خودشان هم از هم جدا می‌شوند. حال اگر شوروی می‌گفت خدا و آمریکا هم می‌گفت خدا، دیگر لازم نبود که علیه یکدیگر بمب اتم مخفی کنند. آنچه برای بشر این خطوط‌ها را آوردۀ است که یک روزه شهرهایش را با یک بمب به خاکستر تبدیل می‌کند، جدا شدن از خدا است.

### خداجویی، اساس همراهی

پس بی‌آئید با خدا باشید، چرا؟ چون مرد اگر خدایی باشد به

۱- شوروی سابق

زنش ظلم نمی‌کند. زن هم اگر خدایی باشد توقع زیادی از شوهرش نخواهد داشت. زن و مرد اگر خدایی شدند دیر اختلاف پیدا می‌کنند و زود اختلافشان بر طرف می‌شود. اما اگر زن و مرد خدایی نباشند زود بنای اختلاف را می‌گذارند و دیر اختلافشان رفع می‌شود.

اگر خدا وارد برنامه زندگی شود جای همه چیز را می‌گیرد. در دعا داریم: «یا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ» یعنی ای خدایی که جای همه چیز را پر می‌کنی. اگر هیچ چیز نباشد و تو باشی کافی است، اما جای خالی تو را هیچ چیز پر نخواهد کرد. پس بناهایتان را بر اطاعت از خدا بگذارید. بر اساس اینکه خدا دارید باهم زندگی کنید. مثل اینکه یک غلام و کنیزی می‌خواهند با یکدیگر زندگی کنند، که ارباب و صاحب دارند و آن ارباب و صاحب امورشان را به عهده گرفته است. انشاء الله اگر بر این اساس کار کنید که خودتان را خدمه خداوند متعال بدانید، خدا، هم در ابتداء، و هم در دورۀ ازدواج مددتان می‌کند. از همان ابتدایکه هر نزدیکی یا فامیلی به شما هدیه یا کادویی می‌دهد، خدا که مولای هردوی شما است - چون شما اساس را بر طاعت او گذارده‌اید - یک گلی مافق گل همه، به شما هدیه می‌کند. آنها که گل هدیه می‌دهند، هر کس که قوم و خویش نزدیک‌تر باشد گل سنگین‌تر می‌دهد، هر که دستش بازتر باشد، سخاوت‌ش بیشتر باشد، گل بهتری

می‌دهد. خدا که از هر سه نظر برتر و بالاتر از همه است، از نظر قوم و خویشی، بندۀ با خدای خودش چنان خویشاوندی دارد که هیچ‌کس دیگر ندارد. خدا از همه تزدیکتر است. از نظر دارائی و ثروت نیز خدا از همه ثروتمندتر است و ثروت خدا متفوق همه ثروتها است، از نظر جود و بخشش، خدا، از همه کریم‌تر و بخشش او نیز از همه بیشتر است. پس اگر بخواهد به کسی گل بدهد، گلش متفوق همه گل‌هاست و آن چیزی که او می‌تواند بدهد، هیچ‌کس دیگری، هیچ‌گاه نمی‌تواند بدهد و آن صمیمیت و دلبستگی است که خداوند بینشان ایجاد می‌کند.

این برای اول ازدواج، برای دوره ازدواج هم باز کمکی که خدا می‌تواند بکند هیچ‌کس دیگر قادر به آن نیست. اگر این دونابر اساس بندگی خدا با هم زندگی کرددند، یعنی زن از وقتی که پا به خانه شوهرش گذارد مؤمن قر شد، خدا می‌گوید: این دو خوب زن و شوهری هستند که ارتباطشان را با من حفظ کرده‌اند. حالا اگر یک روزی زن قهر کرد، خدا به شوهر می‌گوید من این شوهر را به تو برمی‌گردانم، نترس. اگر هم شوهر رفت به زن می‌گوید من او را بر می‌گردانم، چرا؟ چون به زن می‌گوید تو نگذاشتی شوهرت از من جدا شود، پس من هم حالا نمی‌گذارم او از تو جدا شود. و به یک نحوی مسئله راحل می‌کند که موجب سرشکستگی زن و فامیل زن نشود. مثلاً زن در خانه نشسته است که می‌آیند و با احترام او را

می‌برند. یا مرد به او تلفن می‌کند و می‌گوید: من نشستم، فکر کردم و فهمیدم که اشتباه کرده‌ام حالا هم خودم به سراغت می‌آیم. اما اگر زن مانع خیر شد، یعنی مرد قبل از ازدواج خدماتی می‌کرد و بعد از ازدواج آن خدمات به دست زن تعطیل شد. حال تا بگوید خدایا بیا و کار ما را درست کن. خدا می‌گوید: آن وقت تا به حال تو درستش نکردم و بندۀ مرا از من جدا کردم، حال دوباره او را به تو برگردانم تا باز به همان راه گذشته هدایتش کنی؟ لذا می‌بینیم دیگر هر ریش سفیدی، هر عالمی و هر کسی که بخواهد پادرمیانی کند، تأثیری ندارد. گاهی ندیده‌اید که یک سلسه دلخوری‌هایی بین زن و شوهر پیدا می‌شود که اگر تمام افراد عاقل به دور هم بنشینند تا راهی را پیدا کنند بلکه این دو را با هم صلح بدهند. دل مرد یا دل زن نرم نمی‌شود؟

**رابطه با خدا، مشکل‌گشای دشواری‌های خانوادگی**  
ریشه این کار به رابطه‌ای که آنها با خدا دارند بر می‌گردد. اگر زن، مرد را بیشتر به راه خدا برد، دل مرد در آشناها زود نرم می‌شود. اگر مرد، زن را بیشتر به راه خدا هدایت کرد، وقتی زن سرسنگین شد و مرد دعا کرد، خدای تعالی زود وضع را عوض می‌کند. پس آن گل اولش و این هم کمک آخرش.  
اما اگر گفتید ما آمده‌ایم که با هم خوش باشیم. زن گفت من

## دمز دوام پیوند

کار ندارم که می توانی یا نمی توانی! این کار حلال است یا حرام؟ من این لباس را دیده‌ام و پسندیده‌ام، حال حلال باشد یا نباشد فرقی نمی‌کند.

یا مرد گفت: که من می خواهم به این مجلس بروم و توهم حتماً باید بیایی. حال معصیت می شود یا نمی شود، به من مربوط نیست.

اگر این طوری رفقار کردند اولاً خدا آن گل اول را به آنها نمی‌دهد، یعنی صمیمیت را و دوم در وقتی که باهم کدورتی پیدا کردند توجهی به آنان نمی‌کند.

پس در راه خدا هوای یکدیگر را داشته باشید تا خدا هم هوای شما را داشته باشد.

## پیوند خانوادگی، پوشش از گناه

ازدواج زن را می بوشاند، مرد را هم می بوشاند. خداوند می فرماید:

«هُنَّ لِبَاسُكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسُهُنَّ»

زنان لباس مردها هستند و مردها هم لباس زنها. لباس عیب را می بوشاند، حُسن را ظاهر می کند و انسان را از سرما و گرما در امان نگه می دارد. یکی از نعمت‌هایی که خدا نازل کرده است، لباس است. واز این جهت است که مثلاً اگر کسی

## رابطه انتگریه انتخاب همسر با دوام پیوند خانوادگی

خواب بییند که یک نفر چادری یا الملابسی گیرش آمده است، آن را به شوهر یا زن تعییر می کنند. لباس‌ها هم البته متفاوتند. یک‌نوع لباس است که افراد می پوشند و زود ضایع می شود. یک‌نوع لباس‌هایی هم هست که خیلی گران است، اما زود از بین می رود و نمی شود از آن زیاد استفاده کرد. بعضی لباس‌ها هم وجود دارد که هم مطابق اندام است و هم پردوام، این مربوط می شود به تاروپود لباس که پارچه‌اش، تاروپود با دوام داشته باشد یا نه؟

## رابطه انتگریه انتخاب همسر با دوام پیوند خانوادگی

در ازدواج هم اگر جهت ازدواج مال و جمال زن باشد. این تاروپوش از مال و جمال است و دقیقاً مثل همان پارچه‌هایی می شود که خیلی هم قشنگ است و زیبا اما همین که به تن کردی زود پاره می شود، و دوامی پیدا نمی کند.

زن هم همینطور است، اگر پایه پیوند در ازدواجش با شوهر، به جهت مال یا جمال او باشد کم دوام است، اما اگر ازدواج برای دین و مروت مرد و یادین و حیاء زن باشد، این ازدواج مبارک است و دوام هم پیدا خواهد کرد. لذا در روایات داریم که اگر کسی زنی را بگیرد برای مال یا جمالش، خداوند او را وگذار می کند به همان چیزی که خودش انتخاب کرده است. اما اگر زن را انتخاب کند، برای حیا و دین و دیانتش، خدای تعالی آن دین را حفظ

بنابراین اگر انتقادی به هم دارید، بر مبنای ایجادگیری نباشد. بلکه بر مبنای محبت و احسان باشد. زبانتان هم نسبت بهم زبان ایراد نباشد، زبان خدمت و ارادت باشد. این زبان نعمتی است که خدا به انسان داده است. اگر انسان حالت تحکم و وزورگویی بود دنیا برایش مشکل و سخت می‌شود. اگر زبانش زبان شمات و نفرین بود، وبا زبان بهانه‌جویی بود، عمر را وزندگی را بر خودش تlux می‌کند. اما اگر زبانش زبان محبت بود، بسیاری از گره‌های کور را باز می‌کند.

### شدت باکفار و رحمت با مؤمنین

پس برخوردها از روی محبت باشد. رحیم باشد با یکدیگر. اگر شدتی، خشوتی وبا خصوصیتی دارید آنرا در ارتباط باکفار مصرف کنید. انسان هرچه خشوت دارد باید باکفار تمام کنند، تا وقتی که به سراغ مؤمنین آمد با آنها ستیزه‌جویی نکند. چون خداوند در وجود انسان خشم وستیزگذاشته، لطف و محبت هم گذاشته است. اگر رفت وستیزش را باکفار صرف کرد این دیگر برای مؤمنین رحیم می‌شود. اما اگر این ستیز را صرف آنها نکرد می‌ماند و بعد بر سر مسائل جزئی آنرا مصرف می‌کند. مثل یک بچه که اگر او را به دستشویی نبرید فرش را، یا لباس خودش و یا لباس شما را آلوده می‌کند.

این زبان را گذاشته‌اند که هر حرف تند و خشنی را که می‌خواهید بزنید به کفار بزنید. وبا مثلاً اگر می‌خواهید عبوس باشید و قهر کنید، این کفار و این هم شما، هرچه می‌خواهید بکنید با آنها بکنید.

مؤمنین هروقت بنشینند و باهم با خشونت برخورد کنند، قهر کنند، احوال یکدیگر را نهرسند و با یکدیگر ناماؤس باشند، این چیزهایی است که خدارا به خشم می‌آورد. دونفر که رو به قبله می‌ایستند واهل نماز هستند، باید وقتی بهم رسیدند باهم باصفاً و صمیمیت باشند، زن و شوهر هم باید باهم صفا داشته باشند.

زن بگوید: این شوهر من است و من کار ندارم که مثلاً چقدر حقوق می‌گیرد، قدرتش چقدر است، چه کسی حامی او است، فامیلش کیست و کجاست. من فقط به همین اندازه می‌دانم که او خدا دارد و مخلوق خدا است.

شوهر هم بگوید: من کار ندارم که این زن پدرش کیست، مادرش کیست، کسی دارد یا ندارد، قدرت اجتماعی دارد یا ندارد. گیرم که همه اینها را هم نداشته باشد. اما خدا دارد و خدا هم او را آفریده است.

هر مخلوقی باید بداند که آن مخلوق دیگر، تنها نیست، چون مخلوق خدا است و اگر هیچ کس را نداشته باشد خدارا دارد. اگر با او درست برخورد نکند خدا خواهد گفت: چشم مرا دور

دیده‌ای؟ مرا غائب تصور کرده‌ای؟

پس در حقوق همدیگر خدا را در نظر بگیرید و بگویند که ما بندۀ خدائیم و همه بندۀ خدایند، اگر به حقوق بندگان خدا تعjaوز کنیم، خدا مدعی می‌شود. پیش خدا، به خدا چه بگوئیم.

یک زن، وقتی دارای همسر شد باید بگوید: خدایا این همسر را تو به من داده‌ای اگر او تا به حال یک کارهایی برای تو انجام می‌داده است من سهم تو را ضایع نکنم. مثلاً شوهر می‌رفته است در جایی و خدمت می‌کرده، حال هم برود. بلکه بیشتر از سابق بروده نه اینکه مانعش بشوم و بگوییم که تو مثلاً حق نداری آن خدمتی را که در سابق می‌کردی آن هم بکنی. یا مثلاً شوهرش جلوترها با ارحامش یک صلة رحمی می‌کرده، یا یک کمکی می‌کرده است، حالا به او بگوید که تو دیگر مال من هستی - و باید دیگران را رهایش کنی - نه، نباید این طور باشد. پس زن نباید بگوید که این شوهر دیگر مال من شده است. چرا؟ چون زن باید بداند که مرد همان طوری که شوهر او هست، بندۀ خدا نیز هست و همان طوری که نسبت به زن بدھکار است، نسبت به خدا هم بدھکار است و همان طوری که بدھکاری زن را باید پردازد، باید بدھکاری خدا را هم پردازد. همچنانی مرد باید بداند که زن همچنان که زن او هست بندۀ خدا نیز هست. پس هم به او بدھکار است، هم به خدا. هم باید بدھی شوهرش را بدهد، هم بدھکاری

خدا را پردازد.

البته این راه می‌بایست زن و شوهر به خوبی بدانند که اگر بعد از ازدواج زن بهتر از سابقش عمل کند این عمل بهتر را در نامه عمل مرد نیز می‌نویسند و اگر مرد بیشتر خدمت و عبادت کند، ثواب آن را در نامه عمل زن هم می‌نویسند.

### جای پای شیطان

در زندگی مشترک، نباید سعی افراد در نکته‌گیری و دقت و کنجه‌کاری زیاد باشد. البته در این‌که کسی حق، کسی را ضایع نکند، باید دقت وجود داشته باشد. اما اگر دقت کند که مثلاً من اگر این دفعه جواب ندادم کلاه سرم می‌رود و باید گرمه را در حجله سر برید، این درست حرف شیطان است.

طرفین باید نسبت به یکدیگر گذشت داشته باشند. این شیطان است که می‌گوید اگر تو گذشت کردی می‌گویند ترسیدی. تو این دفعه گذشت نکن تا سر آنها به سنگ بخورد و برای همیشه راحت شوی. اینها توطه و دستور شیطان است. هرچه فرآن می‌گوید همان درست است. هر ضرب المثلی، هر شعر شاعری و هر جمله ریش سفید و بزرگ‌تری که با آیات و روایات منطبق و مطابق نیست، حرف شیطان است که در دهان اینها گذاشته است. گاهی ما قسمتی از حرفاهايی که بین مان ردوبدل می‌شود

وهنگام صحبت کردن به آنها استناد می‌کنیم، مثل شعر حافظ، سعدی و امثال آن، اینها را ملاک می‌گیریم و بدانها عمل می‌نماییم، بسیاری از آنها خوب است، اما بعضی‌ها را یا مابی جا مصرف می‌کنیم، یا خود آنها اشتباه گفته‌اند، چون معصوم که نبوده‌اند.

خوب شیطان به شمامی گفت که اگر این دفعه گذشت کردی، دیگر برای همیشه از تو توقع گذشت دارند و شناخته می‌شون. قرآن می‌گوید: نه، این عقيدة شیطان است. تو عفو کن، خدا هم کریم است و خود او به یک صورتی اجرش را خواهد داد. از این جهت است که می‌گوید: «وَأَغْفُوا وَأَضْفَحُوا» گذشت کنید و صرف نظر نمایید، دائمآ چیز‌های کوچک را به رخ هم نکشید. موشکافی نکنید. زود قضايا را تمام کنید.

شما زوج‌های جوان باید بدانید، هر پیوندی که برقرار می‌شود پای شیطان در آن جا سبز می‌شود و یا یک موکل درست می‌کند و می‌گوید که بیا از همین ابتدا و از همین چیز‌های کوچک و ناچیز شروع کن. مثلاً از این در که می‌خواهند بیرون بروند، بگو که این یکی سلام نکرد و آن یکی سلام را درست جواب نداد. داماد به مادرزن درست احترام نگذاشت، یا عروس، پدرشوهر را احترام نکردا خوب شیطان از همین جا شروع می‌کند به پاشیدن تخم‌های نفاق و جدائی.

پس حواستان را جمع کنید و بدانید که پای شیطان در میان است.

خوب انسان هم خطای می‌کند. گاهی اوقات یک طرف سلام می‌کند، آن طرف دیگر حواسش یک جای دیگر است. شیطان به کسی که سلام کرده است می‌گوید: بین او دست بالا را گرفته است که جواب سلام تو را نداده.

اما وقتی طرف گفت آقا من نشنبه‌ام و حواسم جای دیگری بود او هم باید قبول کند و پذیرد. و حمل بر درستی و صداقت کند نه اینکه باز آن را هم از سباست وزرنگی طرف مقابل بداند.

این را بدانید که دعواها از همین جا شروع می‌شود و اختلافات از همین جاها پیش می‌آید.

بعضی جاها واقعاً بر اثر یک سلام کردن و نکردن، یا یک احترام گذاشتن و نگذاشتن، مسئله ایجاد شده است.

این‌ها یک سری اصول برای دوام ازدواج است. دوام ازدواج به همین‌هاست و به این است که کشمکش، لعبازی، یک‌دندگی، چشم هم‌چشمی و تو چه کردی، من چه کردم، در بین نباشد.

دو انسان اگر باهم این‌گونه برخورد داشتند، یعنی کشمکش، لعبازی و یک‌دندگی در زندگی آنها مطرح شد، خود به خود

اصطکاک و فرسایش پیدا می‌کنند.

### انس و اعتماد، برکت ازدواج

اگر شما دوقطعه سنگ خیلی بادوام را بردارید و به هم  
بمالید هرچقدر هم که محکم باشند باز سائیده و کوچک می‌شوند.  
برکت ازدواج، به محبت، انس و اعتماد طرفین با یکدیگر  
است. برکت ازدواج به یکی شدن دوطرف است.

اگر زن و شوهر باهم صمیمی شدند، نان جو در دهانشان از  
کباب برگ، خوشمزه‌تر است. اگر باهم سر لج بازی افتدند  
و کشمکش و بدیینی باهم داشتند، کباب برگ در دهانشان از نان  
جو کم مزه‌تر است. اگر بهم اعتماد داشتند، زندگی روی حصیر  
برايشان از نشستن روی قالی کرمان راحت‌تر و اگر بهم اعتماد  
نداشتند قالی کرمانی برايشان از حصیر سخت‌تر است. اگر بهم  
اعتماد داشتند خانه کوچک و محفر و تاریک برايشان از کاخ  
و ویلا وسیع‌تر و با روح‌تر است و اگر نسبت بهم بدین شدند باعث  
و ویلا برايشان از یک خانه کوچک هم تنگ‌تر است.

### انصاف، اساس اعتماد

برای این‌که زن و شوهر نسبت به یکدیگر اعتماد پیدا کنند،  
می‌بایست با انصاف باشند. انصاف، اعتماد و بی‌انصافی،

بی‌اعتمادی می‌آورد. من اگر حق کسی را ضایع کنم نباید توقع  
داشته باشم که او از من ناراضی نشود. زن باید انصاف بدهد که  
وقتی شوهرش زحمت کشیده است، قبول کند که او زحمت کشیده  
است، مرد هم انصاف بدهد که وقتی زنش زحمت کشیده و کاری  
را انجام داده است قبول کند که واقعاً او در آن کار زحمت کشیده  
است. مرد از زحمت زن وزن از زحمت مرد تشکر کند و به سادگی  
از کنار زحمات یکدیگر نگذرند.

### تکیه بر خوبی‌ها

وقتی شوهر کاری انجام می‌دهد ممکن است آن کار ناقص  
باشد و یا یک کمبودهایی داشته باشد. در این جا زن باید آن قسمت  
خوبش را و آن خدمتی که شوهر کرده است بگوید، نه آن قسمتی  
را که نتوانسته انجام بدهد.

همین طور وقتی که زن یک کاری را انجام داده است، مرد  
باید آن قسمتی را که زن نتوانسته انجام دهد ببیند، نه آن قسمتی را  
که نتوانسته است. مثلاً فرض کنید مرد دوچفت جوراب سوراخ  
دارد و از زن می‌خواهد که آن دوچفت جوراب را وصله کند، زن  
هم یک جفنش را وصله کند و یک جفت دیگر را فرسد و صله  
کند، در چنین صورتی مرد باید آن جوراب وصله کرده را ببیند  
و تشکر کند، نه اینکه جوراب وصله نکرده را ببیند و بگوید: چرا

این را وصله نکردی؟ این ضربالمثلی را که می‌گویند اگر یک لیوانی که دوسوّمش آب است و یک سوّمش خالی است، و شما، هم می‌توانید بگوئید که دوسوّمش آب است، هم می‌توانید بگوئید که یک سوّمش خالی است، یک حقیقت است. اما اگر بگوئید یک سوّمش خالی است بدی را دیده‌اید، و اگر بگوئید دوسوّمش آب است در این صورت خوبی را دیده‌اید.

انسان اگر خوبی‌ها را ببیند، این انصاف است و ایجاد اعتماد می‌کند ولی اگر بخواهد بدی‌ها را ببیند، بی‌انصافی می‌شود. و بی‌انصافی هم بی‌اعتمادی به وجود می‌آورد. گاه می‌شود که تعبیرها فرق می‌کند. همه راست است، اما بعضی خوب است و بعضی خوب نیست.

می‌گویند، هارون الرشید شبی خواب دیده بود که دندانهاش ریخته است. گفت معبری - تعبیر‌کننده خواب - بیاورید تا خوابیم را تعبیر کند. معبری را آوردند و او در تعبیر خواب گفت: این خوابی که شما دیده‌اید خواب بسیار بدی است، زیرا از این خواب چنین استفاده می‌شود که همه اقوام و خوشان و بستگان شما پیش از شما از دنیا خواهند رفت و شما به تنهاش باید داغ همه آنها را تحمل کنی. هارون بسیار غمگین و ناراحت شد و گفت معبر دیگری نیست تا خوابیم تعبیر کند؟! گفتند: چرا، گفت: پس بگوئید بیاید، معبر دیگری آمد و در تعبیر خواب او گفت: خواب شما،

خواب بسیار خوبی است، چون از خواب این‌گونه استفاده می‌شود که عمر شما از همه اقوام و بستگان طولانی تر خواهد بود.  
هارون بسیار خوشحال شد، در حالی که این تعبیر همانند تعبیر اول بود. چون آدمی وقتی عمرش از همه فامیل طولانی تر باشد، معناش این است که آنها زودتر از او می‌میرند.  
پس متوجه باشیم که انسان گاهی یک حرف را به گونه‌ای ادا می‌کند که یکی را عصبانی می‌کند و گاهی طوری بیان می‌کند که گویی آب روی آتش می‌ریزد.  
فرآن می‌گوید که به مؤمنین بگوئید وقتی با هم حرف می‌زنند با یک روش خوب و مناسب با هم حرف بزنند، زخم زبان نداشته باشند و یکدیگر را تحقیر نکنند. چون اگر این‌گونه باهم برخورد کنند، شیطان در بینشان بی‌توجهی ایجاد می‌کند.  
در زندگی هم زن باید سعی کند چیزی را که اگر شوهر به خود او بگوید ناراحت می‌شود، آن را به شوهر خود نگوید و مرد هم سعی کند که به همین صورت عمل نماید.  
والسلام عليکم ورحمة الله وبركاته